

دریچه

سرانجام نظارت بر «وی‌اودی»ها چه می‌شود؟

● مدتی قبل محمد خزاعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی، در صحبت‌هایش درباره شرایط پریخت‌ونظیر شبکه نمایش خانگی اشاره کرد که: رسانه ملی مأموریت‌های گسترده‌ای دارد و نیاز دارد به فکر ایجاد بسترهایی برای توسعه، پویایی و ارتقای گستره مخاطبانش باشد. با بازنگری این مصوبه مسئولیت نمایش خانگی که به مسئولیت‌های تلویزیون اضافه شده، به‌جای اصلی‌اش برمی‌گردد. او تأکید کرد: جایگاه نظارتی و شان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی باید حفظ شود؛ البته تجربه چندساله هم نشان داده است علاوه بر نارضایتی سینماگران و صنوف، تناقضات و چندانگسی در نظارت‌های کیفی و محتوایی تولیدات این حوزه ایجاد شده است.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به پیگیری جدی این وزارتخانه و سازمان سینمایی درباره موضوع پلتفرم‌ها تصریح کرد: این مطالبه جامعه سینمایی کشور است. در حال پیمودن مسیرها و برگزاری جلسات با مراکز ذی‌ربط هستیم و امیدواریم در مراکز قانونی تصمیم‌گیری این کار به جریان بیفتد.

به گفته او، موضوع نمایش خانگی و پلتفرم‌ها به تصمیم‌های جدید نیاز دارد و جامعه سینمایی امیدوار شده با نگاه ریاست جدید سازمان صداوسیما و تعامل و احترام آقای جلیلی برای سینماگران و هنرمندان، این مطالبه محقق شود.

خزاعی با بیان اینکه تولیدات پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی مخاطبان بسیاری را به سمت تولیدات داخلی سوق داده است، اضافه کرد: رونق و پویایی شبکه نمایش خانگی و «وی‌اودی»ها می‌تواند ضمن ایجاد امید و نشاط اجتماعی، به امنیت شغلی و معیشتی اهالی سینما منجر شود. رئیس سازمان سینمایی با نقد وضعیت فعلی تصریح کرد: معتقدیم باید صرف‌تاً صد جریان «وی‌اودی»ها به ارشاد برگردد. مأموریت ساترا اساساً با سایر مأموریت‌های سازمان صداوسیما مغایرت دارد. مأموریت‌های بزرگ و متعدد صداوسیما، باعث می‌شود تا این مأموریت مضاعف به‌درستی پیگیری نشود و تناقضات نظارتی صداوسیما در پلتفرم‌ها و تلویزیون گواه این موضوع است. ضمن اینکه تلویزیون درحالی می‌خواهد در این زمینه نظارت و سیاست‌گذاری کند که خودش یکی از رقبای این پلتفرم‌هاست و به خاطر این رقابت و تضاد منافیی که دارد نمی‌تواند کار ارزیابی، نظارت و ارزشیابی محتوایی این بخش را برعهده داشته باشد.

اما به‌تازگی علی‌اصغر پورمحمدی، رئیس شورای انتشار حرفه‌ای ساترا در واکنش به صحبت‌های رئیس سازمان سینمایی مبنی بر رایزنی برای بازگشت صرف‌تاً صد شبکه خانگی به وزارت ارشاد به فریختگان گفت: «قانون اساسی حدود و اختیارات سازمان صداوسیما را تعیین کرده و شورای مطرح ننگبان هم انتشار و بخش صوت و تصویر از طریق سیستم‌های فراگیر را جزء مسئولیت‌های صداوسیما برشمرده است. اگر دو میلیون بیننده محصول یک پلتفرم در یک هفته برای یک قسمت سریال فراگیر نیست، پس چیست؟! به همین دلیل شاید بتوان گفت برخی از محتوای وی‌اودی‌ها فراگیرتر از محتوای برخی شبکه‌های تلویزیونی است. صداوسیما ملزم به انجام ایمن مسئولیت است و مجدانه به اجرای قانون اصرار خواهیم کرد.

اینکه برخی سینماگران و هنرمندان، صداوسیما را دارای صلاحیت نظارت به شبکه خانگی نمی‌دانند، عمدتاً جالش مدیران و سرمایه‌گذاران پلتفرم‌هاست نه هنرمندان! اکثر هنرمندانی که در عرصه نمایش خانگی فعال‌اند، سال‌های سال با صداوسیما کار کرده‌اند و می‌کنند. منطقی نیست هنرمند تضاد و دشمنی بالقوه‌ای با رادیو و تلویزیون داشته باشد چون فعالیت صداوسیما متعلق به آنهاست ولی برخی تفکرات جدید نسبت به موضوعات دارند که ممکن است صحیح باشد.

ممکن است کاسبان و سرمایه‌گذارانی که تازه وارد حوزه هنر و سینما و سریال‌سازی شده‌اند، دنبال ایجاد این دوقطبی باشند و به نوعی از وجود هنرمندان هم بهره‌برداری کنند؛ چراکه با ایجاد تضاد بین تلویزیون و شبکه نمایش خانگی سود تجاری بیشتری نصیب آنها می‌شود. وی‌اودی‌ها بر این باورند که موازین پوشش لباس در سریال‌سازی باید متفاوت از شبکه‌های تلویزیونی باشد؛ چراکه معیار آنها پوشش اصطلاحاً «کف خیابانی» است. خب این دغدغه قابل توجه است و در فرایند نظارت ساترا به این مهم توجه می‌شود، ولی بدان معنا نیست که کسف خیابان موردنظر عزیزان، فقط خیابان‌های شمال شهر تهران باشد یا کوچه پس‌کوچه‌های حلیلی‌آباد و نمایش بدبختی‌های حاشیه‌نشینی. چیزی که برای ساترا مهم است حداقل نمایش همه واقعیت‌های جامعه است نه فقط بدبجایی یا سیاه‌نمایی. رویکرد صداوسیما درخصوص محتوای وی‌اودی‌ها در مقایسه با شبکه‌های تلویزیونی متمایز از هم نیست بلکه در امتداد هم است و هدف اصلی تکمیل پازل محصولات صوتی و تصویری موردنیاز جامعه و تأمین محتوای مناسب برای همه اقشار و همه سلیقه‌ها و گروه‌های اجتماعی است.

هنر

صد سال ایده‌های ناب

که این فروشگاه چه زمانی شروع به کار می‌کند. وقتی پرسیدم او را می‌شناسید یا خیر، پاسخ داد کاریکاتوربست است و از آلمان آمده و اسمش کامبیز درمبخش است. جا خوردم، می‌دانستم در آلمان زندگی می‌کند ولی اطلاع نداشتم به ایران آمده است؛ بنابراین به آقای خسروی سفارش کردم که هروقت ایشان دوباره مراجعه کردند، به من خبر بدهد تا ببایم و او را ببینم.

چند روز گذشت تا اینکه دوباره آقای درمبخش از خیابان کریمخان گذشت و مجدد پیگیر زمان افتتاح فروشگاه شد. آقای خسروی از اشتیاق من به دیدار ایشان گفته بودند و به من هم اطلاع دادند که آقای درمبخش در فروشگاه خیابان کریمخان است. من هم به‌سرعت و باعجله خودم را با موتورسیکلت از خیابان انقلاب به آنجا رساندم و ایشان را ملاقات و ارادتم را ابراز کردم و توضیح دادم که از ده‌ها پیش کارهای ایشان را دنبال می‌کنم و به آنها علاقه دارم. همین‌باب آشنایی من با ایشان را گشود.

پس از اینکه فروشگاه راه‌اندازی شد، آقای درمبخش، عملاً یکی از میزهای کافه ثالث را به‌عنوان دفتر کارشان انتخاب کردند و به مدت ۲۰ سال تا زمانی که کرونا به ناچار ایشان را خانه‌نشین کرد، پشت آن میز از ساعت ۱۰ صبح تا سه بعدازظهر مشغول کارهایشان بودند و حتی قرارهای کاری‌شان را نیز همان‌جا می‌گذاشتند و آن میز متعلق به خودشان بود. ما هم از حضور

ایشان فیض می‌بردیم و خودم، همکاران و اطرافیانم نیز از محبتشان بهره‌مند می‌شدم.

اما ایشان متأسفانه هم به خودشان کم‌تلفی کردند و هم ما را غمگین کردند و قلب تمام طرفداران و دوستدارانشان را شکستند، چون با واکسن مخالف بودند و به اصرار ما و بعضی اطرافیانشان حاضر شدند فقط یک دوز واکسن بزنند. از آخرین آثارشان نیز برمی‌آید و مشخص است که با واکسن مشکل داشتند و مخالف بودند.

درباره کامبیز درمبخش سخن بسیار گفته‌اند و خواهند گفت ولی تأکید بر این نکته را ضروری می‌دانم که ایشان انسانی نمونه، با قلبی رئوف و اندیشه‌هایی درخشان و دلی بزرگ بود. ولی آنچه بیش از همه حسرت مرا برمی‌انگیزد، این است که آقای درمبخش، کامبیز عزیز، ایده‌های فراوانی داشت که به گفته خودش اگر حتی صد سال دیگر هم

عمر می‌کرد، بازهم می‌توانست ایده برای به‌قلم‌آوردن داشته باشد و جای بسی تأسف است که هیچ‌گاه مجال نیافت تا آنها را ثبت کند و همگان از آنها محروم ماندند.



کامبیز با آن نگاه حزن آلودش و با آن مهربانی تمام‌نشدنی‌اش

می‌آمد؛ لبخندی تلخ، زهرخند. همیشه یک حزن ابدی در نگاه و چهره‌اش داشت. هیچ‌وقت شادمان و قهقهه‌بزن ندیدمش. متفکر بود. در مسائل غور می‌کرد، آن چنان به عمق و کنه مسائل می‌رفت که نمی‌شد تصورش را کرد.

یک‌بار به من گفت مرد مسنی را پیدا کرده‌ام که زیر پل کریم‌خان بساط انداخته و مجسمه‌هایش را می‌فروشد.

و کارها عالی‌اند، بیا برایش نمایشگاه بگذار.

مجسمه‌های پایه‌مشه را نشانم داد و بعد خودش کارها را جمع‌آوری کرد و به‌گالری آورد و چه نمایشگاهی شد! عالی. همه مجموعه‌دارها از او کار خریدند و همه کارها فروش رفت.

آن مرد هنرمند هم چندسال پیش رفت و دیگر نیست. کامبیز نگاه خوبی داشت؛ درست می‌دید، عمیق می‌دید و با چند خط سواده همه ماجرا را برایت تعریف می‌کرد و تو را هم به فکر وامی‌داشت.

او یک طراح مطرح جهانی بود و جوایز بسیاری دریافت کرده بود و کارهایش در موزه‌های مهم دنیا است. ولی با تمام این افتخارات بسیار فروتن و ساکت و بی‌ادعا بود. یادش و آن لبخند و نگاه حزن‌آلودش همیشه با من خواهد بود.

نگاهی به علل مؤثر در تفاوت کیفی آثار سینمایی و تلویزیونی

بنابراین باکی از عدم‌نمایش وجود ندارد که همین ادله‌ها می‌تواند در ایجاد بی‌انگیزگی برای گروه تولیدکننده سریال مؤثر باشد.

ساختار: (الف) بودجه؛ در جریان ساخت فیلم‌های سینمایی بهره‌گیری از ابزارهای مرتبط و نوین، مانند هلی‌شات، کرین، جلوه‌های ویژه میدانی، لنزهای سوپرتله، دوربین و تجهیزات به‌روز فیلم‌برداری و جلوه‌های ویژه کامپیوتری می‌تواند نقش پررنگی در ایجاد جذابیت‌های بصری برای مخاطب داشته باشد؛ اما به‌کارگیری هزینه‌ای از این ویژگی‌ها هم‌هنگام نیست. دوربین و تجهیزات به‌روز می‌شود، در محاسبات بودجه‌ای برای سینما معمولاً این هزینه‌ها اعمال می‌شود و دست کارگردان برای دکوپاژهای ایدئال باز است ولی استفاده از ایین ادوات در کندکردن ریتم فیلم‌برداری اثرگذاری قطعی و مسلمی دارد، آن‌چنان‌که ممکن است گاهی روزها صرف اخذ یک پلان چندثانیه‌ای شود و در خوش‌بینانه‌ترین و راحت‌ترین شرایط فیلم‌برداری نهایتاً می‌توان روزی دو دقیقه مفید فیلم‌برداری کرد؛ اما در تلویزیون وضعیت بسیار متفاوت است. اولین توقع از تیم کارگردانی ضبط حداقل روزی هفت دقیقه پلان مفید است که در واقع بتوانند فته‌ای یک قسمت تولید کنند، در طول یک سریال مولودرام اجتماعی با تاریخ روز، ممکن است برای ۳۰ قسمت تنها سه بار از کرین و هلی‌شات استفاده شود و تهیه‌کنندگان نیز اغلب تمایل چندانی به استفاده از جلوه‌های ویژه کامپیوتری به دلیل هزینه‌های بالای آن ندارند، جلوه‌های ویژه میدانی نیز اغلب با توجیه «خطرناک است» حذف می‌شود و هلی‌شات با توجیه «عدم صدور مجوز»، و لنز



زیر آسمان فیروزهای

خیابان گاندی منتشر شد



پیش‌ازاین در سال ۱۳۹۴ در نشر حوض

نقره به چاپ رسیده است.

معرفی اعضای شورای پروانه ساخت

● محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی طی احکام جداگانه‌ای هفت عضو شورای پروانه ساخت آثار سینمایی را منصوب کرد.

بنا به حکم معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی؛ سیدضیاء هاشمی، علیرضا معاف، پرویز شیخ‌طادی، سعید مستغاثی، محمدرضا هنرمند، پژمان لشگری‌پور و سیدمحمد حسینی به‌عنوان اعضای جدید شورای پروانه ساخت آثار سینمایی منصوب شدند. محمد خزاعی همچنین، از تلاش‌ها و زحمات اعضای قبلی شورای پروانه ساخت تقدیر و تشکر کرد.

برگزاری جشنواره بین‌المللی سینمای ایران در شانتینئی فرانسه

● جشنواره بین‌المللی سینمای ایران در شانتینئی فرانسه با حضور چند سینماگر ایرانی در حال برگزاری است.

جشنواره بین‌المللی سینمای ایران در شانتینئی فرانسه با حضور سینماگرانی از ایران همچون حسین نمازی، دبیر بخش فیلم‌های کوتاه جشنواره، امیرحسین عسگری با فیلم «بدون مرز»، رقیه توکلی با فیلم «مهران»، مهدی جعفری با فیلم «بدو»، حجت قاسم‌زاده‌اصل با فیلم «روز ششم»، رضا جمالی با فیلم «پیرمردها نمی‌میرند»، مونا زندی‌حقیقی با فیلم «بنفشه آفریقایی» و محمدرضا کیوان‌فر با فیلم «در میان تپه‌ها» در حال برگزاری است.

ایمن جشنواره ۱۳ آبان با حضور شهردار شانتینئی، کریستف تاردیو، دبیرکل گروه تلویزیون دولتی فرانسه و مدیرکل اسبق مرکز ملی سینمای فرانسه و علاقه‌مندان فرانسوی و اهالی شانتینئی در سینمای الیزه شهر شانتینئی افتتاح شده است. در این مراسم پس از خوشامدگویی شهردار شانتینئی، تاردیو دبیرکل گروه تلویزیون دولتی فرانسه سخنرانی کرد و گفت: سینمای ایران یک سینمای استثنائی است و همین که در شرایط سخت اقتصادی توانسته موفقیت‌های زیادی در جشنواره‌های معتبر دنیا به‌دست بیاورد، خیلی بااهمیت است.

او با تأکید بر اینکه برگزاری این جشنواره در سال‌های آتی هم ادامه پیدا کند، افزود: هنر کارگردانان ایران در ساخت فیلم‌هایی با موضوع جنگ ایران و عراق، موضوعات خانوادگی بسیار قوی و استثنائی است و بنده به‌عنوان یکی از اعضای هیئت داوران که فیلم‌ها را دیدم، باید بگویم که کیفیت فیلم‌ها بسیار خوب بود.

در مراسم افتتاحیه ابوالفضل جلیلی از شهردار شهر شانتینئی به‌خاطر میزبانی این جشنواره تشکر کرد و گفت: از اینکه در شرایط ویژه کرونایی همکاری کردید تا چنین اتفاقی رقم بخورد، تشکر می‌کنم و تشکر ویژه‌تر برای پوشش ویژه رسانه‌ای رسانه‌های جمعی و مطبوعات فرانسه برای اخبار این فستیوال است.

اجرای موسیقی سنتی ایرانی و کلاسیک فرانسوی از دیگر برنامه‌های افتتاحیه جشنواره سینمای ایران در شانتینئی بود.

جلیلی که رئیس هیئت داوران ایرانی آن است و خودش با فیلم «مسیر معکوس» در بخش خارج از مسابقه حضور دارد، چند روز قبل در گفت‌وگویی با ایسنا از همراهی مسئولان فرانسه با فیلم‌سازان ایرانی برای حضور در این کشور و پذیرش واکسن‌های آنها و همین‌طور از اینکه تدیس این جشنواره با الهام از شعرها و آثار عباس کیارستمی آماده شده بود، قردرانی کرد.

در این جشنواره هشت فیلم بلند و هفت فیلم کوتاه از کشورمان به نمایش در می‌آیند. بر این اساس فیلم‌های «بدو» که مهدی جعفری، «بدون مرز» به کارگردانی امیرحسین عسگری، «مهران» کار رقیه توکلی، «در میان تپه‌ها» ساخته محمدرضا کیوان‌فر، «پیرمردها هرگز نمی‌میرند» کار رضا جمالی، «بنفشه آفریقایی» ساخته مونا زندی‌حقیقی، «روز ششم» به کارگردانی حجت قاسم‌زاده‌اصل در کنار

بلائی که به دلیل افت کیفیت سریال‌سازی بر سر تلویزیون آمده، یک دلیل روشن دارد و آن بی‌توجهی به واقعیات در جامعه و خواست مخاطب و اختصاص ردیف بودجه‌ای متناسب با استانداردهای سریال‌سازی است. سریال همیشه مشتری دارد، چنان‌که می‌بینیم بسیاری از مخاطبان سابق تلویزیون امروز به صف بینندگان سریال‌های شبکه نمایش خانگی پیوسته‌اند و حاضرند بابت دیدن هر قسمت از یک سریال مبلغی را به شکل مستقیم به تولیدکنندگان اثر پرداخت کنند اما سراغ سریال‌های رایگان تلویزیونی نروند.